

شخصیت رسول خاتم (ص) نماد هویت امت اسلامی

شخصیت رسول خاتم (ص) نماد هویت امت اسلامی

صبح زنگنه

اندیشمند اسلامی - ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

پیامبر عظیم الشان اسلام، با تعریفی که از ایشان در مباحث اعتقادی و تاریخی داریم، عامل شکل گیری امت اسلامی، و مفسر و مترجم ابعاد و شاکله این امت است.

بنا بر این، دریافت کننده وحی الهی، ورسانند پیام به بشریت، و نجات دهنده آن از جهل و انحراف و سقوط، و ترسیم کننده مسیر تحول انسان مسلمان، همان یغمابر خاتم (ص) است.

در این مقاله، به موضوعاتی که در ارتباط با این شخصیت عظیم، و تاثیرات آن بر جامعه، و نحوه تبعیت جامعه از تعلیمات ایشان، و علل مخالفت دیگران با رسالت و تعلیمات رسول الله (ص) و چگونگی تمرکز اعتراضها و انتقادها بر نفس این شخصیت را بررسی کرده و برداشت خود را تقدیم خواهم نمود.

در تعریف شخصیت پیامبر گرامی اسلام (ص)، از چند راه ورود می‌توان اقدام کرد :

نخستین روش، استناد به تعریفی که قرآن کریم، از ایشان دارند، و در جا به جای آیات و سوره‌های آن آمده است.

ما به دلیل وجود صفات و ویژگی‌های متعدد و خارج از احصاء، تنها به تعدادی از آن صفات می‌پردازیم:

یک: " وما ارسلناك الارحمة للعالمين " که بیانگر روشن بعثت پیامبر برای تمامی انسانها، و از با بت لطف و عنایت و رحمت الهی به عالمیان است. این صفت شاخص؛ در مقابل برخی توصیفهای کتب ادعایی از سایر پیامران است که از خشونت و تعدی و انحرافها یی والعياد با از دیگر پیامبران حکایت می‌کند

دو: " انک لعلی خلق عظیم " علاوه بر اراده رحمت الهی برای عالمیان، از سوی خداوند منان، بر صفت اخلاق و الای پیامبر هم تاکید می‌شود. در سلوک و سنت رسول ﷺ، کاربرد این اخلاق را در میان جامعه، در خانواده، در مورد همسر، در مورد فرزندان، در مقابل همسایگان، نسبت به فقرا و نیازمندان، در برابر مخالفان، و در تربیت پیروان، در تحمل دشمنیها و مقابله با روش‌های انسانی تحسین بر انگیز و صدھا عنوان دیگر قابل لمس و یاد آوری است

سه: " قل انما انا بشر مثلکم " در اینگونه آیات، منظور خلع صفت دریافت وحی نیست؛ بلکه تاکید بر اینکه این صفت، موجب امتاز گیری و فضل فروشی نمی‌شود، و ارتباط با همه انسانها را راحت تر می‌نماید. در واقع، با این آیه کریمه، نفي صفت " فرشته بودن " را مینماید. و بر ضرورت جریان امور زندگی بر اساس روابط عادی انسانی وسادگی گفتگو با آن " خیر البشر " است. نه از تجملات و حصارهای پادشاهان خبری هست، و نه از ادعای چیزی بیشتر از آنچه قرآن کریم آورده است.

چهار: " ولو كنت فضاغليظ القلب لانفضوا من حولك " در میان رهبران، آنهم در جوامعی که حاکمیت را با زور و غلظت در رفتار تعریف می‌شود، و در آن دوران سران قبایل و حتی حاکمان کشورها، ایجاد رعب و وحشت میان جامعه را مناسبترین روش تسلط بر انسانها تلقی می‌شد، و در جوامع بعدی هم، از نظریه و توصیه پردازان ما نند " ماکیاویلی " می‌خوانیم که به " امیر " ان به حفظ تصویر " خشن " از امیر در جامعه توصیه می‌کنند، و در جوامع کنونی نیز، استفاده از " قدرت فائقه " در سرکوب مخالفان و ایجاد ترس

ووحوشت، یکی از روش‌های موثر در حفظ "قدرت" تلقی می‌شود، و در حد اقل، ایجاد "ایهام و ایهام" در ذهن مردم، لازمه ادامه قدرت و سلطه دانسته می‌شود؛ در چنین فضاهایی، خداوند حنان، از پیامبر خود، صفت "خشونت و تندي" را نفي می‌کند. گویی آنرا برای هدایت انسانها، خطرناک می‌داند.

پنج: "فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ، فَإِذَا عَزَّمْتْ فَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ" در این آیه شریفه، چندین رویه و رفتار را به پیامبر گرامی دستور و تعلیم می‌دهد، که در ساختن یک جامعه انسانی با هویت و شخصیت عزتمند به کار آید. به کار بردن عفو و گذشت، تا مرحله تازه ای آغاز گردد، و با طلب مغفرت برای آن جامعه، تهیه فضای معنوی لازم حاصل آید، و با مشورت کردن، روحیه همفکری و تفاهم و اجماع سازی در جامعه شکل می‌گیرد، و از بروز استبداد در آینده اجتماع جلوگیری می‌شود.

ششم: "يَتَلَوَّا عَلَيْكُمْ آيَا تَنَا وَيَزْكِيْكُمْ وَيَعْلَمْكُمْ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ" این ویژه گی وصفات عالیه، ضرورت اهتمام و بلکه اساس قراردادن تعلیم و تزکیه، به عنوان نقش و وظیفه بزرگ رسول الله (ص) را می‌رساند. به عبارتی دیگر، پایه مورد نظر وحی الهی، همان تعلیم و تزکیه است، یعنی انسان سازی در عالیترین شکل خود، و نه ساختن افراد جنگجو یا سلطه‌گر، آنگونه که در سایر جوامع دیده می‌شود.

هفت: "ادع إلی سبیل ربک بالحكمة والموعظة الحسنة" راه و روش گفتگو با دیگران، اجبار و زور گویی، یا جادو کردن و ایجاد توهمند و تخیل، نیست. بلکه، حکمت و انتخاب بهترین رویه ها است. هرگز مذاکره و گفتگو با دیگران، از روش مغالطه یا تحقیر و یا دروغگویی نیست. همه این روشها، با روش "موعظه حسن" ناسازگار است.

هشت: "آمن الرسول بما انزل اليه من ربہ والمؤمنون كل آمن بما وملائكته . كتبه ورسله :لا نفرق بين احد من رسله" این صفت و تعلیم الهی در خصوص پذیرش انبیاء و کتب الهی پیشین است، و علامت روشنی از عدم خود محوری، و "مبدأ تاریخ دانستن خود" است.

ماهیت رسالت‌های الهی، یکی است، مبدأ آنها هم یکی است. تعلیم دادن جامعه به این مفهوم، مایه تفاهم جهانی را باعث می‌شود، و احترام گذاشتن به رحمات و نقش انبیاء بزرگ الهی است.

هشت: "وَ الْعَزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ"

عزت و کرامت، صفتی است که خداوند متعال آنرا برای ذات اقدس خود و برای پیامبر گرامی و برای مؤمنین

قابل شده است. یعنی اینگونه نیست که عزت، برای مردم مومن منظور نشده باشد این رسول الله است که حلقة واسط عزت و افراد نباید عزت خود را دست کم بگیرند این یک شان الهی است

در آیه دیگری، آمده است " عزیز علیه ما عنتم " ای مومنان، سختیها یی که می‌کشید، بر پیغمبر نیز سخت است واز ناراحتی شما، رسول الله نیز ناراحت می‌شود

نه: " ويضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم " پیامبر خاتم، غل وزنجیرها یی که بر مردم تحمل شده بود، از پای وروح وجان آنها، بر می‌دارد، وآزادشان می‌کند . این خصوصیتی است که انسانها مصلح بزرگ، برای رها یی انسانها، بر عهده می‌گیرند . پیامبر، هم خرافات وعقاید فاسد را می‌زداید، وهم مقررات وقواعد خلاف انسانیت انسان را برطرف می‌سازد

ده : " وان حكمت فاحكم بينهم بالقسط ان الله يحب المقصطين " حکمیت میان مردم، توسط پیامبران، سا بهه دارد، ورسول خاتم نیز این وظیفه را بر عهده داشتند حکومت به قسط، مختص حکومت میان مومنین ومسلمین، نیست. وحتی نسبت به دشمنانی که خردۀ حسابی هم با آنها داشته باشیم، باید ملاک عدل وقسط اجرا شود . در آیه کریمه آمده است " ولا يجرمنكم شناسنقوم علي الاعتدلوا، اعدلوا هم اقرب للتقوی "

آیه های ذکر شده، و ده ها آیه وروایت، ابعادی از شخصیت خاتم الانبیاء ترسیم می‌کند، که هیچ انسان سلیمانی، نمی تواند احساسی غیر از تعظیم و تکریم نسبت به ایشان داشته باشد .

نحوه تعامل جامعه انسانی با این شخصیت:

در دوران پیامبر (ص)، مشرکان وکفار، نسبت به شخصیت پیامبر گرامی، تعرض زیادی داشته اند. عده ای آنرا خلاف سنن مورونی دانستند، واز اینکه آنها را نسبت به بتها ورسوم جاهلی باز می‌دادند، معترض بودند.

برخی دیگر، نگران جایگاه و موقعیت حاکمیتی خود بودند .

گروهی، تهمت جادوگری می‌دادند،

جماعتی صفت جنون می‌دادند،

اغلب کفار، مانع از شنیدن سخنا نش می‌شدند ،

اراذل واو باش را به جا نش می‌انداختند، وحتی از آزار وادیت و توهین، رویگردان نبودند

آیه مبارکه قرآن، چنین توصیف می‌کند : " کلما جائهم رسول بما لا تهوي انفهم فريقا كذبوا و فريقا
قتلون " و اين همان حالت تكراري بني اسرائيل نسبت به پیامبر انسان بوده است.

" و اذا قيل لهم تعالوا الي ما انزل الله والي الرسول، قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا "

" وشاقو الرسول من بعد ما تبين لهم الهدى "

" قل ابا وآياته ورسوله كنتم تستهزئون"

" ان الذين يحدون الله ورسوله اولئك في الاذلين "

" قال يا قوم ليس بي ضلاله ولكنني رسول من رب العالمين "

" قال يا قوم ليس بي سفاهة ولكنني رسول من رب العالمين "

" حتى يقول الرسول والذين آمنوا معه متى نصر الله "

سپس، خداوند لطیف می‌فرماید " يا ايها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر "

از اين مجموعه، اين نتيجه را می‌گيريم که موضوع تکديب واهانت وحتی آزار پیامبر (ص) مسبوق به سا بهقه است . وحتی پیامبران گذشته نيز گرفتار افراد و گروههای مخالف بوده اند. علل اصلی مخالفتها،
به چند مطلب بر می‌گردد:

نگرانی از تری آداب و رسوم گذشتگان

ترس از بروز قدرت جدید و فقدان مکانت وجا یگاه موجود،

از دست دادن امتیازهای اقتصادی و مالی حاصل از وضع موجود است ،

علماء و محققان غیر مسلمان

در میان دانشمندان غیر مسلمان، آثار زیادی پیرامون شخصیت پیامبر عظیم الشان، منتشر کرده اند، که عده ای از آنها، به تکریم و تعریف پرداخته اند، و گروهی دیگر از ایشان، نفي رابطه وحی الهی نموده اند؛ جمعی هم سعی کرده اند تا به زعم خود، تناقضاتی و شباهاتی را سرهم بندی نمایند.

مستشرقان غربی، که عده ای از آنها را یهودیان متعصب تشکیل می‌داده اند، کتابهای متعددی در این خصوص نوشته اند، و می‌توان گفت که در فرهنگ غربی، حالتی از حساسیت منفی بوجود آورده اند.

همین حالت، در کتابهای درسی مدارس غربی در مورد اسلام، و پیغمبر (ص) نیز وجود دارد.

شباهات و انتقادها، به دو صورت بوده است: تعدادی نسبت به آیات قرآن و روایات انتقاد می‌کردند؛

گروه دیگری، بیشتر به شخصیت پیغمبر و اهل بیت و پیروان ایشان تعرض می‌نمودند.

جمع اول، میان دانشجویان و دانش پژوهان تاثیر گذاری داشته اند؛

اما جمع دوم، گستره بیشتری از قشرهای جوامع غربی را تحت تاثیر قرار می‌داده اند و به یک "فرهنگ عمومی" تبدیل می‌ساخند.

البته، انسانها ی بزرگی از مورخان غربی، اعجاب و تعظیم خود را نسبت به شخصیت محمد ابن عبد الله، صلی الله علیه و آله وسلم، پنهان نکرده اند، مانند "توبینبی"، و خانم "شمیل"، اما این افراد نتوانستند به جریان اصلی تبدیل شوند.

جريا نهاي اخيري هم که به راه افتاده است، چه رمان "آيات شیطانی" و چه کاریکاتورهای منتشره در نروز، وجه فیلم اخيري که از سوی یک تهیه کننده مسیحی - یهودی تهیه و بر روی شبکه های اجتماعی

نهاده شده است؛ از فاز جدید تعرضها در بعد عمومی و برای تحریک احساسات عمومی (هم مسلمانان و هم پیروان سایر ادیان) حکایت می‌کند.

اگر دو دهه به عقب برگردیم، و به کتاب مشهور "درگیری یا جنگ تمدنها" نگاهی بیاندازیم، از یک "نظریه پردازی" برای این درگیریها، توسط نظریه پردازان غربی، مطلع می‌شویم.

در این کتاب، از انواع چالشها و درگیریها، سخن به میان می‌آید، اما بر "درگیری میان فرهنگها و تمدنها" تاکید شده؛ و آنرا آخرین وبالاترین نوع درگیری تلقی می‌کند.

نقش تک قطبی شدن در افزایش درگیریها

در جریان فروپاشی شوروی، غرب، و بویژه امریکا، فرصت را مفتتنم شمرده تا سایر رقبا را از صحنه جهانی، خارج نماید. چنیم تصوراتی، در اعلام اینکه پایان جهان، یا "پایان تاریخ" از آن غرب و دموکراسی لیبرال آن است، آنگونه که "فوکویاما" در کتاب خود، ترسیم می‌کرد.

برای از صحنه خارج شدن رقبا، همانهایی که، هانتگنتون تعریف کرده است، یعنی اسلام و کونفوشیوس، به انواع ترفندها باید متولّ شد. یکی از این ترفندها، افزایش حساسیت مردم مغرب زمین نسبت به اسلام و مسلمانان است، چیزی که به نام "اسلام هراسی" شناخته می‌شود.

وبرای تضعیف روحیه مسلمانان، می‌باشدیتی به "قله" نمادهای اسلام به انحصار مختلف حمله کرد. و در بالاترین قله‌ها، شخصیت پیغمبر (ص) قرار دارد.

البته، از انصاف نباید گذشت، که همه سیاستمداران جهان، با این طرز فکر، موافق نبوده اند.

آقای رومان هرزوگ، رئیس جمهور اسبق جمهوری فدرال آلمان، نه تنها مخالف این جریان بوده است، بلکه در مناطق و کشورهای مختلف به ایراد سخنرانی می‌پرداخته و مبانی آن تفکرات را نقش می‌کرده است. ایشان در کتابی تحت عنوان "آشتی تمدنها" به خوبی از عهده اینگونه مطالب برآمده است. در این کتاب، به مشترکات فرهنگ اسلامی و غربی اشاره‌ها دارد، و به مسئولیتهای کشورها در رسیدن به تمدنی

مشترک تحلیلها ارائه کرده است.

نقش مسلمانان در فضای کنونی

تردید نباید کرد، که مسلمانان، اعم از سران کشورها، علماء و تشكلها و جریانهای گوناگون، در دامن زدن به فضای ابهام آلود شکل گیری هویت جدید جوامع اسلامی، نقش بزرگی داشته‌اند.

تضارب اراده‌ها، در خصوص رسیدن به یک "هویت مشترک" اسلامی، از سوی حاکمان، نقش اساسی داشته است. هر حاکمی، برای خود، و جامعه تحت حاکمیت خود، یک تعریفی از هویت دارد، و هرگونه "تکامل" و "غنای فرهنگی با سایر جوامع مسلمان، را مردود می‌داند؛ اما در همین حال، دروازه‌های تعاطی فرهنگی با "سایرین" با حد اعلی تسامح گذشت، باز نگه داشته است، در حدی که اغلب جوامع اسلامی، از حد اقل توان در بیان و نوشتار به زبان محلی خود، عاجز مانده است !!

علماء اغلب به درگیریهای به اصطلاح "مذهبی" و طایف‌ای سرگرم شده، و از خلاقیت و ابتکار، عقب‌مانده اند، بلکه و حتی از درک صحیح جریانهای القائی، ناتوان شده‌اند.

جریانها و احزاب اسلامی و مذهبی، در تلاش برای "کسب قدرت" یا ثروت، مسابقه گذاشته، و از هیچ "مدارایی" با حاکمان کشوری؛ منطقه‌ای یا جهانی، ابا نداراند، گویی تسامح با جریانهای سلطه جهانی، از سوی پیامبر (ص) توصیه شده است!!

تصویری که از اسلام و رسول گرامی، توسط جریانهای تند و افراطی تکفیری، ارائه شده است، خود عامل بزرگی در دیگرگونه نشان دادن اسلام و پیامبر نقش داشته‌اند.

فقدان مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، با درک صحیح از تحولات جهانی، عامل دیگری است از انعدام تاثیر گذاری مثبت بر معرفی صحیح چهره اسلام و پیامبر در سطح جهان.

القای مفاهیم خشن، و عدم توجه به زندگی پر از لطف و رحمت و مهربانی رسول ام (ص)، به تراکم فهم اشتباه، کمک کرده است.

با یک مروری بر آنچه گذشت، می‌توان به سرنخهایی از راه کارهای ضروری " بازشناسی هویت اسلامی " با محور قراردادن شخصیت پیامبر اکرم (ص)، دست یازید.

نخست : راه اندازی مطالعات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی تناسب با اهداف مورد نظر، برای دستیابی به نتایج علمی، گرچه مغایر با چارچوبهای ذهنی قبلی ،

دوم: اهتمام به عناصر هنری و فرهنگی موثر در معرفی صحیح تاریخ اسلام و پیامبر (ص)

سوم : گریز از ارائه تصویر خشن و مخدوش از چهره‌ها مبر و اتباع ایشان ،

چهارم : مراوده علمی با مراکز اکادمیک و نظریه پردازان و تدوین کنندگان کتب درسی کشورهای غربی پنجم : پرهیز از ادامه و یا توسعه اختلافهای فرقه‌ای و مذهبی در محافل غیر علمی و متعصبا نه

ششم : متوقف کردن حمایتهای افراد جاہل و ساده از جریانهای افراطی و تفرقه افکن

والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته

